

کاربرد استناد در نگارش‌های علمی

محمود حقیقی

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

چکیده

استنادها یکی از عناصر شاخص نگارش‌های علمی محسوب می‌شوند و نقش بارزی در تولید و نشر اطلاعات دارند. در واقع، امر استناد پدیده‌ جدیدی نیست و نویسندگان از قدیم‌ترین ایام به اهمیت آن واقف بوده و در آثار خود به منابع پیشین استناد می‌کرده‌اند. این نوشته بر آن است که با ارائه نمونه استنادهای نویسندگان متقدم و نیز با ارائه نتایج چند بررسی نوین در زمینه دلایل و کاربردهای استناد در نگارش‌های علمی اهمیت و ضرورت کاربرد دقیق آن را نشان دهد. از بررسی مطالعات مربوط به چگونگی کاربرد استناد و با توجه به وضعیت امر استناد در برخی نگارش‌های فارسی، چند نکته شاخص در این زمینه به دست می‌آید. که عبارتند از: ۱) اثبات مستدل و مستند مدعاها، ۲) تجلیل از پیشکسوتان، ۳) استناد به منابع اصیل و معتبر، ۴) ویژگی نقل قول‌ها، ۵) چگونگی کاربرد استنادها، ۶) آسیب‌شناسی استنادها و ۷) ویژگیهای فهرست منابع. به نظر می‌رسد که رعایت ضوابط مربوط به نکات فوق در نگارش‌های علمی به میزان قابل ملاحظه‌ای در ارتقاء اصالت و اعتبار این نوع آثار مؤثر خواهد بود.

کلید واژه‌ها: استناد. نگارش علمی. مستند نویسی. منابع اصیل و معتبر.

استنادها یکی از عناصر شاخص نگارش‌های علمی است و نقش بارزی در تولید و نشر اطلاعات دارد. در حقیقت، اصل اسناد یکی از اصول اساسی تألیف و پژوهش به‌شمار می‌رود و اثری می‌تواند با اقبال جامعه علمی روبه‌رو شود که در رعایت این اصل در آن دقت و اهتمام لازم صورت گرفته، به نحوی که مطالب استناد شده استوار، گویا، و صریح باشد. صاحب نظران در این زمینه که تدوین هر اثر علمی بر پایه آثار پیشین صورت می‌گیرد اتفاق نظر دارند و تصریح این نکته را که مطالب ارائه شده در نگارش‌ها بر چه اندیشه‌ها و دستاوردهایی مبتنی بوده است، لازمه پیروی از موازین اخلاق علمی می‌دانند. از سوی دیگر، مستندات هر نوشته علمی معیاری برای محک زدن درجه اعتبار و اصالت نکات ارائه شده در آن نوشته محسوب می‌شود. این واقعیت نیز که در دهه‌های اخیر مطالعات استنادی به منظور بررسی روابط موجود میان مدارک استناد کننده و مدارک استناد شونده - که امروزه از آن به عنوان تحلیل استنادی یاد می‌شود - رواج چشمگیری داشته است، بر اهمیت نقش استناد تأکید می‌گذارد.

عامل مهم دیگری که ارائه مستندات را ضروری می‌سازد واقعیت خطاپذیری حافظه آدمی است. با توجه به این واقعیت، مطالب یک نوشته علمی را نمی‌توان صرفاً به اتکای حافظه بیان کرد. این امر که باید آن را ناشی از ضعف‌ها و محدودیت‌های قوای ذهنی برشمرد و نیز لزوم اثبات مستدل مطالب ارائه شده ایجاب می‌کند که مستندات مطالب به روشنی ارائه گردد تا بدین ترتیب، با احراز اطمینان از درستی آنها، اعتبار و وثاقت هر نوشته تضمین گردد و نتایج حاصل از آن قابل اعتماد باشد.

در زمینه لغزش‌پذیر بودن حافظه، نقل قول جالبی از علامه قزوینی قابل تأمل است. وسواس و دقت علمی علامه صفت بارز وی بوده است، و او را نمونه اعلا در مستند و مستدل نویسی دانسته‌اند. از وی روایت می‌کنند که وقتی پس از انتشار کتاب چهار مقاله نظامی عروضی - با همه دقتی که در تصحیح آن به عمل آورده بود - یکی از خوانندگان کتاب، غلط نامه‌ای برای آن ترتیب داده و برایش می‌فرستد، از مشاهده آن چنان متأثر می‌شود که عهد می‌کند از آن پس اگر بخواهد «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» هم بنویسد باید قرآن را باز کند و از روی آن به نقل بپردازد (تقی زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶).

امر استناد به آثار پیشین و اسناد هر قول به صاحب آن مسبوق به سابقه‌ای طولانی است. با این حال، درک دو سولاپرایس^۱، صاحب نظر در تاریخ علم، در اثر آموزنده خود <علم کوچک، علم بزرگ^۲> که مشتمل بر مقالاتی در باره فلسفه، تاریخنگاری و جنبه‌های اجتماعی علم است، خاطر نشان می‌سازد که انگاره نوین ارجاعات آشکار به آثار پیشین از حدود ۱۸۵۰ در مجلات علمی ظاهر شده است (پرایس، ۱۹۸۶، ص ۵۸). نظر وی از این جهت که استنادها در مجلات علمی از این زمان به صورت روشمندی ارائه شده‌اند می‌تواند قابل قبول باشد، چه شواهد موجود حاکی از آن است که پیشینیان ما به ضرورت درج استنادها واقف بوده و به سلیقه و شیوه خاص خود به آثار پیشکسوتان استناد می‌کرده‌اند. نظر به اهمیت این امر، ذکر چند نمونه از شیوه استناد و ارجاع قدما در آثارشان خالی از فایده نخواهد بود.

هرودوت^۳ (قرن ۵ ق م)، که به پدر تاریخ موسوم است، آنجا که در کتاب تاریخ خود (۱۹۸۰، ص ۲۸۰) می‌خواهد برای این خاصیت اقلیم سرد که در سکوتیا^۴ موجب می‌شود شاخ از سر حیوانات بیرون نیاید شاهی ارائه دهد، به بیتی از اودیسه هومر (قرن ۹ یا ۸ ق م) به این مضمون استناد می‌کند که در هوای گرم لیبی شاخ گوسفندان به سرعت رشد می‌کند. و از آن نتیجه می‌گیرد که چون شاخ حیوان در هوای گرم سریع رشد می‌کند، در مقابل، هوای سرد مانع از رشد آن می‌شود. پلینی مهین^۵ (۲۳ ب. م - ۷۹ ب. م) در مجموعه تاریخ طبیعی مفصل خود - مشتمل بر ۳۷ کتاب در ۱۰ مجلد - مآخذی را که از آنها در تألیف این اثر بهره گرفته است صادقانه نام می‌برد (۱۹۶۷ - ۱۹۷۱، ج ۱، مقدمه، ص XIV). کتاب اول وی در واقع مندرجات ۳۶ کتاب بعدی را نشان می‌دهد، و در پی مندرجات هر کتاب فهرست اسامی نویسندگان پیشین که آثارشان

1. Derek de Solla Price

2. Little science , big science

3. Herodotus

4. سکوتیا (Scythia) نام قدیمی قسمتی از جنوب شرقی اروپا است.

5. Pliny, The Elder

مأخذ کار وی بوده ارائه شده است. افزون بر آن در متن اثر حجیم خود هر جا که لازم بوده به مأخذ خود اشاره کرده است. مثلاً در بحث در باره قوس قزح می‌نویسد که این پدیده فقط در مقابل خورشید ظاهر می‌شود و هیچ‌گاه جز به شکل کمان، آن‌هم نه در هنگام شب، روی نمی‌دهد و در ادامه به قول ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) استناد می‌کند که این پدیده گاهی در شب نیز دیده شده است (پلینی، ج ۱، کتاب دوم، ص ۲۸۷).

استناد به آثار پیشین نزد دانشمندان اسلامی نیز مرسوم بوده است و نویسندگان مسلمان ضمن کاوش دقیق برای مفاهیم، روش‌ها و نتایج معتبر مربوط به موضوع مورد نظرشان در آثار اسلاف خود و بهره‌گیری از آن در نوشته‌های خود در نسبت دادن هر قول و نظر به گوینده و نویسنده آن اهتمام داشته‌اند. از جمله، محمد بن زکریا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق.) در مقدمه کتاب الحاوی (۱۹۵۵ - ۱۹۷۲، ج ۱، ص ۲) تصریح می‌کند که این کتاب حاوی مطالب همه کتاب‌ها و اقوال پیشینیان و افاضل حرفه پزشکی است، و در جای جای کتاب خود به نظریات اسلاف خود از جمله بقراط (۴۶۰ - ۳۷۷ ق.م.) دیوسکوریدس^۱ (قرن اول م.)، جالینوس (۱۲۹-۱۹۹)، و دیگران اشاره می‌کند. ابن بابویه (متوفی ۳۸۱ ق.) در کتاب معروف خود من لایحضره الفقیه (۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳-۵) ضمن معرفی منابع خود تصریح می‌کند که در تدوین آن از آثار معتبری که نام برده استفاده کرده است. ابن بیطار (متوفی ۶۴۶ ق.) در مقدمه کتاب الجامع لمفردات الادویة والاعذیة (۱۹۶۴، ج ۱، ص ۲) آثار دیوسکوریدس و جالینوس را به عنوان منابع اصلی کتاب خود معرفی می‌کند، و در متن علاوه بر استناد به آن دو به گفته‌های دانشمندان بسیاری از جمله ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق.)، رازی، ابن ماسویه (متوفی ۲۴۳ ق.)، پزشک ایرانی نژاد و مسیحی نسطوری و دیگران نیز اشاره می‌کند. مسئله استناد، به‌ویژه در حوزه علم حدیث به لحاظ طبیعت موضوع آن، از ارج و اهمیت والایی برخوردار بوده و برای آن قواعد و شرایطی مقرر شده است. در این حوزه سندها را در حکم ستون‌هایی می‌دانستند که متن حدیث بر آنها استوار و پابرجاست) ← زم‌خسری

۱۹۷۲-۱۹۷۳، ذیل «سند»؛ برای برخی شباهت‌های روش شناختی و اصطلاح شناختی تحلیل استنادی با علم حدیث ← حُرّی، ۱۳۶۲، ص ۱۱-۱۷).

از شواهد و نمونه‌های فوق می‌توان پی برد که اهمیت استناد به آثار پیشین برای نویسندگان آثار علمی از دیرباز کاملاً روشن بوده است و قدما نیز نیاز واقعی را در مورد تجلیل از پیش‌کسوتان و نیز مستند ساختن نظریات خود را به خوبی می‌شناختند. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که امر استناد پدیده نوینی نیست، هر چند ممکن است مبانی نظری آن بیشتر در زمان معاصر شکل گرفته باشد. در واقع، در دهه‌های اخیر مطالعات استنادی از ابعاد مختلفی چون نمایه سازی استنادی، کیفیت، مفاهیم، دلایل و کاربردهای استنادها صورت گرفته است. در اینجا به لحاظ اهمیت فقط به سه نمونه از نتایج بررسی‌هایی که در زمینه دلایل و کاربردهای استنادها صورت گرفته است اشاره می‌شود.

یوجین گارفیلد^۱، از صاحب نظران مطالعات استنادی، پانزده دلیل برای استناد کردن ذکر می‌کند (۱۳۷۶، ص ۱۳۰-۱۳۱) که عبارتند از:

۱. ادای احترام به پیش‌کسوتان؛
۲. اعتبار بخشیدن به آثار مرتبط (احترام به همکاران)؛
۳. معرفی روش‌ها، ابزار، و جز آن؛
۴. تهیه پیشینه مطالعات؛
۵. تصحیح اثر خود مؤلف؛
۶. تصحیح آثار دیگران؛
۷. نقد آثار پیشین؛
۸. اثبات ادعاها؛
۹. تذکر در باره آثار زیر چاپ؛
۱۰. معرفی اثری که توزیع یا نمایه سازی ضعیفی داشته و یا به آن استنادی صورت

نگرفته است؛

۱۱. احراز درستی داده‌ها و واقعیت‌ها (مانند کمیت‌های ثابت فیزیکی و جز آن)؛
 ۱۲. معرفی آثار اصیل که اندیشه یا مفهومی برای نخستین بار در آنها مطرح شده است؛
 ۱۳. معرفی آثار اصیل یا اثری که به توصیف اصطلاح یا مفهومی پرداخته که با نام مبتکر آن همراه است مانند بیماری هاجکینز^۱، قانون پارتو^۲، عکس‌العمل فریدل - کرافتس^۳، و جز آن؛

۱۴. رد آثار یا عقاید دیگران (ادعای منفی)؛

۱۵. مناقشه در باره برتری ادعاهای دیگران (احترام منفی).

کارولین فراست^۴ در پژوهش خود (۱۹۷۹، ص ۴۰۱-۴۰۹) کاربردهای زیر را برای استاندارد در پژوهش‌های ادبی برمی‌شمارد:

۱. مستند سازی بر اساس منابع دست اول - ارجاع به متون ادبی، نامه‌ها، و جز آن؛
 الف. به منظور اثبات نظری مبتنی بر واقعیت درباره نویسنده یا نویسندگان آن دسته از آثار ادبی که در اثر استناد کننده مطرح هستند؛
 ب. به منظور اثبات یک نظر خارج از موضوع اصلی اثر استناد کننده؛
 ج. به منظور اثبات بیان مبتنی بر واقعیت، خارج از موضوع اصلی اثر استناد کننده.
۲. مستند سازی بر اساس منابع دست دوم - ارجاع به مطالعات پیشین؛
 الف. مستقل از تأیید یا عدم تأیید استناد کننده؛
 ب. نشان دادن تأیید محقق استناد شونده؛
 ج. نشان دادن عدم تأیید نویسنده استناد کننده.
۳. مستند سازی بر اساس منابع دست اول و دست دوم؛
 الف. به منظور ارجاع به مواد خواندنی بیشتر؛
 ب. به منظور تهیه اطلاعات کتابشناختی در باره ویرایشی خاص.

1. Hodgkin's disease

2. Pareto's law

3. Friedel- Crafts reaction

4. Carolyn O. Frost

و سرانجام الکساندرا دیمتروف^۱ در بررسی خود (۱۹۹۵، ص ۴۴)، همه استنادهای واقعی را بر حسب اینکه با چه هدفی به کار رفته باشند در یکی از مقوله‌های سه گانه جای می‌دهد:

۱. ایجاد پیوند میان اثر مورد نظر با اثر مرتبط پیشین؛

۲. اعتبار بخشی و ادای احترام؛

۳. تأمین شواهد برای اثبات مدعا و ارائه توضیحات لازم.

با نظری اجمالی به نتایج سه بررسی پیشگفته که در زمینه کاربرد استناد صورت گرفته عقاید گوناگونی در باره طبیعت استناد و پیچیدگی‌های روند استنادی ملاحظه می‌شود. آنچه مسلم است عوامل متعددی می‌توانند رفتار استنادی نویسندگان را تحت الشعاع قرار دهند. این عوامل طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند: از متغیرهای اجتماعی و روانی گرفته تا مخاطبان مورد نظر، دامنه و هدف‌های نوشته علمی، چگونگی برداشت و تصور از دانش عام در حوزه‌های مختلف، میزان اشراف نویسندگان به منابع حوزه مورد پژوهش، چگونگی دسترس‌پذیری منابع، مشکلات زبانی، برخی سهل‌انگاری‌های متداول، و جز آن. پیچیدگی و گوناگونی این عوامل چنان است که به آسانی شاید نتوان آنها را تحت قاعده‌ای منسجم در آورد. واقعیت این است که به رغم مطالعات متعدد در باره رفتار استنادی، هنوز اطلاعات چندانی در این زمینه وجود ندارد. به گفته گارفیلد (۱۳۷۶، ص ۱۳۳) امروزه هنر استناد کردن شاید نیازمند آموزش‌های رسمی باشد. بررسی‌های سه گانه فوق موارد جالبی از دلایل نویسندگان برای استناد به آثار پیشین نشان می‌دهد. با این حال، با قطعیت نمی‌توان گفت که دلایل و کاربردهای واقعی استنادها محدود به همین موارد است. از مقایسه سه مورد پیشگفته به نظر می‌رسد از لحاظ جامعیت و مانعیت، نکات ارائه شده در بررسی دیمتروف از دو مورد دیگر که با تفصیلی بیشتر به مسئله پرداخته و دلائل فرعی‌تر را نیز منظور داشته‌اند، مناسب‌تر باشد. اما آنچه در این میان بیش از همه مشترک به نظر می‌رسد و از دلایل

عمده برای استناد محسوب می‌شود یکی اثبات مدعاها و دیگری تجلیل از پیشکسوتان است.

از بررسی مطالعات مربوط به چگونگی کاربرد استنادها و با توجه به تجارب اهل فن می‌توان به چند ضابطه و نکته شاخص، علاوه بر دو مورد فوق، دست یافت که به نظر می‌رسد رعایت آنها در نگارش‌های علمی به زبان فارسی به میزان قابل ملاحظه‌ای در ساماندهی وضعیت استنادها کارساز باشد. بعضی از مهم‌ترین این نکات را می‌توان چنین ارائه کرد:

۱. اثبات مستدل و مستند مدعاها، به‌طور کلی ضرورت پیروی از موازین علمی و نیز لزوم اثبات مستدل ادعاهای ارائه شده، ایجاب می‌کند که مطالب با تتبع و تفحص و مراجعه به اسناد و مدارک تدوین شود و مدعاها مستند به سند و مدرکی معتبر و قابل قبول باشد. در واقع مطلبی مستند تلقی می‌شود که میان آن و سند مربوط، پیوندی روشن و بی‌ابهام و رابطه محتوایی درستی برقرار باشد و بیان آن با تصریحی بیش از دلالت مستندات مربوط صورت نگیرد. از سوی دیگر، استنادهای واقعی برای خواننده علاقه‌مند ابزاری مناسب به‌شمار می‌آید که از طریق آن می‌تواند نتایج به‌دست آمده در گزارشی علمی را بیازماید و در باره صحت منابع هر مدعا تفحص کند (فراست^۱ ۱۹۷۹، ص ۴۰۰). در واقع به‌جز بدیهیات و آنچه بدان دانش عام اطلاق می‌شود سایر مدعاها باید مستند به مأخذ معتبر باشند. برای نکاتی که بدیهی است و قبول عام دارد و نویسنده و خواننده در باره آن اختلافی ندارند به ارائه سند نیازی نیست. به‌طور مثال، این نکته که در تاریخ منطق، نخستین بار ارسطو کلمه «تضاد» را، به عنوان یک اصطلاح، تعریف و تبیین کرده است نیازی به ذکر مأخذ ندارد، چون در حقیقت ارسطو خود واضع منطق بوده است. همچنین است در مورد بیان واقعیت‌ها و قضایای پذیرفته شده از قبیل اینکه آب در ۱۰۰ درجه سانتیگراد به جوش می‌آید؛ یا اینکه مربع وتر در مثلث قائم الزاویه برابر است با مجموع مربعات دو ضلع دیگر (قضیه فیثاغورس)؛ یا اینکه واضع

نظریهٔ پسیکانالیز یا روانکاوی زیگموند فروید^۱ (۱۸۵۶-۱۹۳۶) بوده است؛ یا این واقعیت که بالاترین شمارگان کتاب منتشر شده از زمان گوتنبرگ تاکنون کتاب مقدس بوده است، و جز آن.

۲. تجلیل از پیشکسوتان. تجلیل از پیشکسوتان و ادای دین فکری به آنان دلیل عمده‌ای برای استناد کردن است. در واقع هرگاه نویسنده‌ای در اثر خود از مفهوم، روش یا نتیجهٔ تحقیقی بهره گرفته باشد، به طوری که بدون این بهره‌گیری اثبات مدعای وی مقدور نباشد، دین فکری بزرگی نسبت به مبدع اصلی آن مفهوم، روش، یا نتیجه بر ذمه خواهد داشت (کوچن^۲، ۱۹۸۷، ص ۵۵). در این قبیل موارد با ارائهٔ مستندات هر نوشته و اسناد هر قول به صاحب آن، دین معنوی و فکری به پیشکسوتان و بزرگان هر حوزهٔ فکری و نخستین طراحان هر اندیشه باید ادا شود. اساساً سنت علمی ایجاب می‌کند که در تدوین هر اثر، به آثار پیشین که به همان موضوع پرداخته‌اند ارجاع داده شود و فرض بر این است که این ارجاعات پژوهش‌های پیشین را که از مفاهیم، روش‌ها، و ابزارهای آن‌ها الهام گرفته شده است معرفی کنند (وینستوک^۳، ۱۹۷۱، ج ۵، ص ۱۹). به طور مثال در بررسی زمینهٔ تاریخی مباحثی چون نظریهٔ تکامل، علم مکانیک، مبحث شیمی جدید با ارجاع به بنیانگذاران این علوم یعنی داروین^۴ (۱۸۰۹-۱۸۸۲)، نیوتن^۵ (۱۶۴۲-۱۷۲۷)، و لavoazیه^۶ (۱۷۴۳-۱۷۹۴) از آنان تجلیل می‌شود. برای پیشینهٔ تعیین وزن مخصوص سنگ‌ها در دورهٔ اسلامی معرفی کتاب معتبر الجواهر فی معرفة الجواهر ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰، ق.) که حاوی اطلاعات اصیل کانی شناختی است و دربارهٔ ویژگی‌های سنگ‌ها، از جمله وزن مخصوص آنها، بحث می‌کند و بدین ترتیب وزن مخصوص چند سنگ و فلز گرانبها برای نخستین بار در عالم اسلام تعیین می‌گردد اجتناب‌ناپذیر است. در این قبیل موارد، در حقیقت، استناد در حکم نوعی

1. Sigmund Freud

2. Kochen

3. Weinstock

4. Charles Robert Darwin

5. Isaac Newton

6. Antoine Laurent Lavoisier

مالیات است که در ازای استفاده آزادانه از آثار فکری دیگران وصول می‌گردد (کرونین^۱ و اورفلت^۲، ۱۹۹۴، ص ۱۶۶).

۳. استناد به منابع اصیل و معتبر. در مستند سازی مدعاها از معتبرترین منابع موجود در هر زمینه استفاده می‌شود، و استناد به منابع بی‌اعتبار که سندیت مآخذ و درستی مطالب آنها محرز نیست ناروا و مردود است. چه بسا این قبیل منابع از دقتی که منظور نظر پژوهشگران است برخوردار نباشند و مسامحه‌هایی در درج مطالب در آنها صورت گرفته باشد. اساساً اعتماد به منابع واسط و دست دوم و بهره‌گیری از آنها در نگارش‌های علمی، اعتبار این آثار را مخدوش و کیفیت مطالب آنها را دستخوش تردید می‌سازد. سهل‌الوصول بودن مطالب مورد نیاز در این قبیل منابع و نیز دشواریاب بودن منشاء آن مطالب در منابع اصیل، احتمالاً عامل اصلی استناد به آنهاست. در این زمینه مشکل وقتی دو چندان می‌شود که در مورد مقوله‌های فرهنگی مانند زبان، ادب، تاریخ، جغرافیا، دین و هنر متعلق به مردمان خاصی به منابع فرهنگ بیگانه استناد گردد. هرگاه از منبعی هم متن اصلی و هم ترجمه آن موجود باشد، مطلوب آن است که مطلب مورد نظر از متن اصلی اخذ گردد و چنانچه به هر دلیلی از متن ترجمه استفاده می‌شود مشخصات کتابشناختی همین متن داده شود، نه مشخصات متن اصلی. در مواردی که مطلبی را می‌توان منابع متعددی مستند ساخت، بهتر آن است که به یکی دو منبع اصلی و معتبر در نشانی اکتفا و از درج منابع فرعی و متأخر در نشانی صرف نظر شود تا حضور منابع متعدد در نشانی موجب گسیختگی رشته کلام نگردد. در این حالت، در صورت ضرورت ذکر منابع متأخر، می‌توان دو سه مورد از آنها را در قسمت منابع پایانی اثر، همراه با توضیح مختصری درباره دلیل درج آنها منظور کرد. غرض از ذکر منابع معتبر و مناسب در واقع، اعتبار و تناسب از جهت پیوند موضوعی و زمانی و زبانی منابع با متن است. به طور مثال، در زمینه نهضت ترجمه در جهان اسلام، منبع اصیل و دست اول کتاب الفهرست ابن ندیم است. یا منبع مناسب برای زندگانی بایزید بسطامی (صوفی

قرن سوم) کتاب طبقات الصوفیه محمد بن حسن سلمی (متوفی ۴۱۲ ق.) است که به دوره زندگانی بایزید بسیار نزدیک است، و با اطلاعات دست اول در ذکر احوال نورالدین عبدالرحمان جامی، شاعر قرن نهم، را می‌توان در کتاب تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی یافت که در همان قرن در ۸۹۲ تألیف شده است. در مقابل، داده‌ها، ارقام، و آمار ارائه شده با استناد به جدیدترین منابع باید روزآمد شود.

۴. ویژگی نقل قول‌ها. نقش نقل قول‌ها در پروراندن موضوع دارای اهمیت زیادی است. در واقع در مواردی مستندسازی مطالب مستلزم نقل قول از نویسندگان دیگر است. در این‌گونه موارد، مطلوب آن است که نکته مورد نظر به اختصار و به شیوه نقل به معنی و با رعایت شرط امانت ذکر شود، و فقط در شرایط استثنایی که نقل عین عبارت نویسنده‌ای اهمیت داشته باشد، مثلاً سندیت خود عبارت منظور نظر باشد، یا در شکل نقل به مضمون بیم تحریف آن قول و جود داشته باشد، و یا از نقل به مضمون تعبیرات گوناگونی برداشت شود آن عبارت عیناً از منبع مربوط که اعتبار آن محرز است، داخل گیومه ذکر می‌شود. در این صورت مطلوب آن است که در نقل عبارت به حد ضروری اکتفا شود، و تنها آن قسمت از مطلب که مستقیماً به آن نیاز است نقل گردد و در صورت لزوم عبارات پس و پیش آن نیز تلخیص شود (سمعی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۳؛ معصومی همدانی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۲-۱۳۳). این نکات درباره نقل قول از منابع به زبان‌های بیگانه نیز صادق است. در اینجا نیز نه تنها برگردان مطالب مستلزم دقت بسیار است، بلکه رعایت ایجاز هم در بیان آنها ضروری است و فقط اطلاعات اساسی و موثقی که در شناساندن موضوع واقعاً سودمند است با ذکر سند مربوط ارائه می‌شود.

۵. چگونگی کاربرد استنادها. امر استناد در نگارش‌های علمی رفتار استنادی سنجیده‌ای را طلب می‌کند اما با توجه به پیچیدگی‌های این رفتار که از عوامل روانی و اجتماعی و فرهنگی بسیاری می‌تواند متأثر باشد ارائه قواعد دقیقی برای آن امکان‌پذیر نیست. با این همه، ذکر چند نکته خالی از فایده نخواهد بود. چگونگی استناد در علوم، علوم اجتماعی، و علوم انسانی به سبب تفاوت‌هایی که در روش‌ها و هدف‌های این مقوله‌ها وجود دارد ممکن است متفاوت باشد. به‌طور مثال، شواهد تجربی در حالیکه

نقش عمده‌ای در پژوهش‌های مربوط به علوم ایفا می‌کند، در پژوهش‌های علوم انسانی آن چنان نقش با اهمیتی ندارد. به‌طور مثال در حوزه پژوهش‌های علمی تعداد و تنوع استنادهایی که از طریق آنها شواهد و دلایل واقعی علمی مستند می‌شود قابل توجه است (فراست^۱، ۱۹۷۹، ص ۴۰۳-۴۰۴). به عبارت دیگر، در حوزه علوم ممکن است اثبات فرضیه‌ای مستلزم ارائه دقیق مجموعه شواهد و داده‌ها و مطالعات پیشین باشد، امری که در سایر حوزه‌ها شاید مبالغه‌آمیز به نظر برسد. در گزارش علمی، پژوهشگری که در مطالعات خود به نتایجی دست یافته است که به درستی و اهمیت آن اعتقاد دارد ناچار است با ارائه استنادهای مناسب و شواهد لازم، جامعه علمی را به منظور درک نتایج تحقیق اش متقاعد سازد (لیو^۲، ۱۹۹۳، ص ۳۲۷، به نقل از گیلبرت^۳). با این حال، چگونگی کاربرد برخی استنادها در همه مقوله‌ها مشترک به نظر می‌رسد. به‌طور مثال، مستند سازی موقعیت کنونی پژوهش، تجلیل از پیشکسوتان، ارائه شواهد لازم برای تاریخ رویدادهای خاص، راهنمایی خواننده به منابع بیشتر، معرفی آثار زیر چاپ، و جز آن. در این قبیل موارد، شمار استنادها باید متناسب با مطلب ارائه شده باشد، چون درج شواهد دور از تناسب موجب گسست مطالب و گسیخته شدن رشته فکر خواننده می‌گردد. به‌طور مثال تاریخ تولد و وفات نویسندگان و بزرگان و نام استادان یا شاگردان آنها را با ارائه یکی دو منبع موثق می‌توان مستند ساخت و ردیف کردن تعداد زیادی از منابع برای این منظور امری ساختگی به نظر می‌رسد.

مواضع مناسب جهت ارائه استناد نیز از مشکلات نگارش‌های علمی محسوب می‌شود. معمول این است که استنادهای مربوط به مطلبی خاص در پایان آن مطلب ذکر شود، مگر اینکه تأکید بر نام مولف استناد شونده باشد که در این صورت مناسب‌تر آن است که نشانی استناد بلافاصله پس از نام وی درج شود. اما ارائه مجموعه استنادهای مطالب مختلف مثلاً در پایان یک بند یا انتهای یک صفحه، به دلیل مشخص نبودن دقیق

1. Frost

2- Liu

3- Gilbert

مأخذ هر مطلب کاری بیهوده و بی منطق به نظر می‌رسد. سرانجام، نکته مهم اینکه ارائه روشن و بدون ابهام شواهد و استنادها و وضعیت بسامان ارجاعات از ویژگی‌های بارز اثری موفق به‌شمار می‌رود.

۶. آسیب‌شناسی استنادها. برخی خطاهای متداول در ذکر شواهد و استنادها موجب مخدوش شدن مطالب و آسیب‌پذیری نوشته علمی و نهایتاً کیفیت نازل آن می‌شود. «تیندن تار مأخذ در پود متن» هنر ظریفی است که به باریک بینی و سنجیدگی و قدری حوصله نیاز دارد. با اندکی دقت در ساماندهی استنادها و ارجاعات از بسیاری از خطاهای رایج می‌توان پرهیز کرد. چند نمونه از این نوع خطاها عبارتند از:

الف. در برخی موارد، استناد به اثری ممکن است به درستی صورت نگیرد و در نتیجه پیوند دقیق بین مطالب متن و سند برقرار نشود. این موارد عمدتاً ممکن است ناشی از عدم درک صحیح مطالب مدرک استناد شونده و برداشت‌های مبهم، غیر دقیق و مخدوش از آن، عدم درج نکات اساسی مربوط به موضوع، ناتوانی در بازگویی صحیح و موجز اطلاعات متراکم مأخذ، فقدان آشنایی لازم به زبان‌های بیگانه، و سهل‌انگاری در ارجاع به مواضع دقیق مأخذ باشد.

ب. گاه مشاهده می‌شود که اشتباه خاصی در مورد یک استناد عیناً در چند اثر بازتاب یافته است. این امر ممکن است ناشی از آن باشد که به جای استناد به منبع دست اول به مطالب منبع واسط بسنده گردیده و در نتیجه استنادهای نادرست این منبع در آثار پسین نیز تکرار شده است. این سهل‌انگاری‌ها در حالی صورت می‌پذیرد که غالباً با درج اطلاعات کتابشناختی منبع اصلی، ردگم شده، چنان وانمود می‌شود که بهره‌گیری مستقیم از منبع اصلی به عمل آمده است.

ج. در برخی موارد، روش‌ها، مفاهیم، یا داده‌هایی ارائه می‌گردد اما از درج مستندات آنها امساک می‌شود. در این قبیل موارد، شائبه استناد زدایی تعمدی و شبهه سرقت علمی پدیدار می‌گردد.

د. گاهی برای مطلبی که با یکی دو مأخذ می‌تواند مستند شود، مأخذ پرشماری

را درج می‌گردد که مبالغه‌آمیز بودن آن کاملاً مشهود است، و این امر بیشتر جنبه نمایشی

دارد و به تعبیری دیگر نوعی پژوهش نهایی تلقی می‌شود تا استنادی علمی. هـ. ارائه نقل قول‌های طولانی و دور از تناسب در اثر، مطالعه آن را ملال آور می‌سازد و موجب سردرگمی خواننده می‌شود. این پدیده، بویژه در مورد استناد به منابع خارجی که غالباً با ارائه قطعات بزرگ ترجمه صورت می‌پذیرد، امکان تحلیل و تبیین مطالب را از مؤلف سلب می‌کند و اثر را از پویایی لازم بی‌بهره می‌سازد.

و. استناد به منابع دست دوم نظیر دایرةالمعارف‌های عمومی، به سبب آنکه مطالب این نوع مواد ممکن است در جریان نقل از آسیب‌های تحریف در امان نبوده باشد، قابل تأمل بوده و می‌تواند اثر را از لحاظ کیفی به سطحی نازل سوق دهد.

ز. در نگارش‌های علمی استناد به آثار پیشین خود در صورتی پسندیده است که مؤلف خود واضح نظری یا طراح و مبتکر اندیشه‌ای در زمینه مورد بحث بوده و یا مطلب مورد نظر برگرفته از یافته‌های پژوهشی خود وی باشد. در غیر این صورت بهتر است که از این گونه استنادها پرهیز شود.

چند نمونه از خطاهای متداولی که به آنها اشاره شد دامنگیر برخی از پژوهش‌های علمی است که به آسانی می‌تواند آنها را آسیب‌پذیر ساخته و به آثاری غیر قابل اعتماد بدل سازند. اساساً سازماندهی استناد و شواهد و ارجاعات یک اثر از وظایف اصلی پدید آورنده آن به‌شمار می‌رود و هر اندازه مطالب نوشته‌ای متکی به استنادهای شفاف‌تر و بی‌ابهام‌تر باشد، و هر اندازه در آن از خطاهای یاد شده پرهیز شده باشد، آن نوشته عمر بارآورتر و مؤثرتری خواهد داشت.

۷. ویژگی‌های فهرست منابع. وجود مآخذ موثق و اساسی که نویسنده در نگارش اثرش از آنها بهره گرفته در فهرست منابع اثر در حکم سند اصالت و اعتبار مطالب آن اثر به‌شمار می‌رود. از طریق این اسناد و مدارک، امکان دسترسی به گستره پهناتری در هر زمینه برای خواننده علاقه‌مند فراهم می‌آید. در واقع، یکی از دستاوردهای با ارزش نگارش‌های علمی ارائه اطلاعات کتابشناختی منابع آنهاست که می‌تواند راهگشای پژوهش‌های آتی باشد.

مشخصات دقیق و کامل مآخذی را که در متن اثر به آنها استناد یا ارجاع داده شده در برمی‌گیرد. تنوع منابع گوناگون و اشکال مختلف مشخصات کتابشناختی آنها ایجاب می‌کند که در ارائه این اطلاعات از انضباط دقیقی پیروی شود و جنبه‌های فنی آن مطابق قواعد پذیرفته شده و متداول رعایت گردد تا بدین ترتیب استفاده آسان از منابع امکان‌پذیر باشد.

کتاب‌ها و تک نگاشته‌ها در بسیاری از نگارش‌های علمی بویژه در حوزه علوم انسانی شکل غالب منابع را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که مطالب بکر بسیاری از طریق مقالات نشریات علمی،

اسناد، پایان نامه‌های معتبر، نسخ خطی، نقشه‌ها، و منابع الکترونیکی مانند لوح‌های فشرده و پایگاه‌های اینترنتی یافت می‌شود. البته به دلیل ناپایدار بودن بسیاری از اطلاعات الکترونیکی که از طریق اینترنت قابل دسترسی هستند، و نیز محتوای متغیر اطلاعات در محیط اینترنت و همچنین به دلیل غیر معتبر بودن اطلاعات برخی پایگاه‌ها، ارجاع به این نوع منابع باید با احتیاط لازم همراه باشد و از این منابع هنگامی استفاده شود که تنها منبع منحصر به فرد برای موضوع مورد نظر باشند. به عبارت دیگر، اطلاعات مورد نیاز - مانند آخرین آمار مربوط به جمعیت، ارقام مربوط به تولیدات گوناگون، آخرین اختراعات ثبت شده، آخرین یافته‌ها در زمینه علوم و فنون - تنها در قالب الکترونیک قابل دسترسی هستند.

رعایت نکات هفتگانه فوق مسلماً به ترویج فرهنگ مستند و مستدل نویسی در نگارش‌های علمی کمک شایانی خواهد کرد. این واقعیت نیز که امر استناد از دیرگاه مرسوم بوده نشان دهنده اهمیت آن به منزله یک سنت والای علمی است. در زمان معاصر نیز رابطه میان مدارک استنادکننده و مدارک استناد شونده موضوع بررسی‌های متعددی بوده و بویژه پس از انتشار منابعی چون نمایه استنادی علوم^۱ و نظایر آن در غرب، این مطالعات رواج بیشتری یافته است. به طور مثال بر پایه این فرض که میان اعتبار

مدرک استناد شونده و استنادهای متعلق به آن رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و هر اندازه شمار استنادهای اثری بیشتر باشد آن اثر دارای اعتبار بیشتری است، تا کنون مطالعات بسیاری صورت گرفته است. این مطالعات از رهگذر شمارش استنادها و با استفاده از روش‌های آماری مختلف به ارزیابی اعتبار مقالات، مجلات، و متون علمی و مؤلفان آنها و مآلاً تعیین متون بنیانی هر زمینه پرداخته‌اند. از این‌رو امروزه استناد به آثار نویسندگان دیگر امری بسیار مهم و در عین حال بسیار عادی و متداول است و به گفته یوجین گارفیلد (۱۳۷۶، ص ۱۳۶) این امر «نه تنها حقیر نیست، که بسیار عالمانه است». در واقع، لازمه نتیجه‌گیری مطمئن در هر پژوهشی بررسی مستقیم همه اطلاعات مرتبط در آن زمینه است و چنانچه در یک گزارش علمی استنادهای لازم صورت نگرفته باشد کیفیت مطالب آن و نتایج حاصل از آن قابل تردید خواهد بود.

اهمیت صحت اطلاعات ارائه شده که مستلزم رعایت موازین علمی و پیروی از روشی دقیق و مستدل است، از یک سو و بی دقتی‌های رایج در برخی از نوشته‌ها، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه از سوی دیگر، این نگرانی را دامن می‌زند که مبادا رواج سهل انگاری‌های متداول به ایجاد نوعی بحران در این قبیل آثار بیانجامد. به نظر می‌رسد که یکی از وظایف اساسی مؤسسات پژوهشی و انتشاراتی، یعنی ویرایش استنادی مقالات و متون علمی، در غالب موارد مغفول مانده است. و بالاخره سخن نغزی از محمد تقی بن محمد هادی متخلص به حکیم (قرن سیزده)، صاحب کتاب گنج دانش در باره رعایت ادب استناد حسن ختامی به این گفتار می‌بخشد. وی در مقدمه کتابش (۱۳۰۵، ص ۱۳) می‌نویسد: «از برکت علم یکی آن است که هر قول و یا تحقیقی را به صاحب آن اسناد دهند و بر وجهی که موهم سرقت بوده باشد مندرج نسازند».

مأخذ

ابن بابویه. محمد بن علی (۱۴۰۱). من لایحضره الفقیه، باهتمام حسن موسوی خراسان. بیروت:

دار صعب .

ابن بیطار، عبدالله بن احمد (۱۹۶۴). الجامع لمفردات الادیویة و الاغدیة. بغداد: مکتبة المثنی.

تقی زاده، حسن (۱۳۷۸). «خطا به در مجلس یادبود علامه قزوینی». در یادنامه علامه محمد قزوینی، به کوشش علی دهباشی. تهران: کتاب و فرهنگ.

خُزّی، عباس (۱۳۶۲). «تحلیل استنادی و شباهتهای آن با علم الحدیث». نشر دانش. س. چهارم، ۲ (بهمن و اسفند).

حکیم، محمد تقی بن محمد هادی (۱۳۰۵ ق.). گنج دانش: جغرافیای تاریخی شهرهای ایران. چاپ سنگی تهران.

رازی، محمد زکریا (۱۹۵۵-۱۹۷۲). *الهاوی فی الطب*. حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانية.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۲-۱۹۷۳). *اساس البلاغة*. [مصر: مطبعة دار الکتب].

سمیعی (گیلانی)، احمد (۱۳۷۸). نگارش و ویرایش. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

گارفیلد، یوجین (۱۳۷۶). «چگونه استناد کنیم؟». ترجمه عبدالحسین فرج پهلوی. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی* (دانشگاه شهید چمران اهواز). دوره سوم، ۱ و ۲ (بهار و تابستان).

معصومی همدانی، حسین (۱۳۷۳). «در حاشیه». در در باره ویرایش. زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Cronin, B.; Orefet, K. (1994). "The scholar's courtesy: a survey of acknowledgement behaviour".

Journal of Documentation, vol. 50, no. 3 (Sep).

Dimitroff, A. (1995). "Self citations in the library and in formation science literature". *Journal of*

Documentation, vol. 51, no. 1 (March).

Frost, C. (1979). "The use of citations in literary research: a preliminary classification of citation

functions" *The Library Quarterly*, vol. 49, no. 4 (Oct).

Herodotus (1980). *The histories*. translated by Aubrey de Selincourt. revised with an introduction and notes by A.R. Burn. Harmondsworth, England.

Kochen, M. (1987). "How well do we acknowledge intellectual debts?". *Journal of Documetaion*, vol. 43, no. 1 (March).

Liu, M. (1993). "Progress in documentation the complexities of citation practice: a review of citation

studies". *Journal of Documentation* , vol. 49, no. 4(Dec.).

Pliny , The Elder (1967-1971). *Natural history*. with an English translation by H. Rackham et al.
Cambridge , Mass: Harvard University Press.

Price, Derek J.De Solla (1988). *Little science, big science*. New York:Columbia University press.

Weimstock, M. (1971)."Citation indexes". in *Encyclopedia of Library and Information Science*, vol. 5,
PP.16-40.